

بررسی الگوی رابطه صمیمانه همسران

سیدیوک محمدی*

چکیده

اهمیت و تأثیر کیفیت رابطه بین همسران در سلامت روحی- روانی افراد و جامعه، موضوعی بوده که همواره بر آن تأکید شده است. باتوجه به این‌که تعامل و ارتباط همسران در چهارچوب خانواده انجام می‌شود و امروزه خانواده در معرض خطر تشنج و فروپاشی بسیار قرار دارد، پژوهش درباره ویژگی‌های روابطی که جدا از تشنج و اختلاف است، از ضروریات است. این پژوهش در راستای چنین ضرورتی انجام شده است. هدف از این مقاله کشف خصوصیات روابط صمیمانه زوجین است. برای رسیدن به این هدف، از روش تحقیق کیفی استفاده شده است؛ اطلاعات به‌دست‌آمده با روش مصاحبه (۵۰ مورد) گردآوری شد. همسران مورد مطالعه با استفاده از نمونه‌گیری مفهومی انتخاب شدند و درنهایت، اطلاعات به‌دست‌آمده به روش کیفی، به‌صورت مقولات و مفاهیم طبقه‌بندی شد. یافته‌ها نشان داد: عشق و علاقه، قدرت در خدمت رابطه و نه فرد، احترام، توجه متقابل، مشارکت، تشریک‌مساعی، مصاحبت، و هم‌فکری از جمله ویژگی‌های زوجینی است که می‌توان آن‌ها را صمیمی نامید. از پیامدهای جانبی این ویژگی‌ها نیز احساس تعهد، اعتماد همسران نسبت به یکدیگر و در نتیجه، رضایت از رابطه است. زوجینی که در سنین میان‌سالی قرار دارند نیز با این‌که در رابطه آن‌ها عشق هیجانی کاهش یافته، خردمندی و شکیبایی‌شان افزایش یافته است و عشق و علاقه بینشان از بین نرفته است.

کلیدواژه‌ها: رابطه صمیمانه، رابطه میان همسران، عشق در رابطه زناشویی، اعتماد و همکاری در رابطه زناشویی.

۱. مقدمه و مسئله تحقیق

پژوهش‌های متعددی درباره رابطه صمیمانه و تأثیر آن در رضایت از زندگی انجام شده است؛ ازدواج، متفاوت از انواع روابط دیگر، صمیمی‌ترین نوع رابطه است و می‌تواند سلامتی و شادی را در افراد به وجود آورد. لذا، سلامت روحی- روانی افراد و رضایت از زندگی به میزان زیادی وابسته به رضایت از روابط خانوادگی است. با وجود این، آگاهی از اهمیت روابط خانواده در سلامت افراد و جامعه، الزاماً به ایجاد خانواده سالم و رضایت‌بخش نمی‌انجامد. در عصر حاضر، به‌رغم افزایش آگاهی از نقش خانواده در جامعه و زندگی افراد، خانواده‌ها بیش‌تر از قبل دچار بحران و ازهم‌گسیختگی‌اند. پژوهش‌ها تلاطم‌های خانوادگی و نارضایتی از روابط زناشویی را آشکار می‌کند. آمار نیز حاکی از افزایش طلاق و فروپاشی خانواده‌هاست. به عبارت دیگر، به‌رغم آگاهی زوجین از اهمیت عشق و علاقه، تفاهم و همکاری در روابط بین همسران و تأکید بر احترام متقابل، خانواده‌هایی مملو از تشنج فراوان دیده می‌شوند.

آرزوی رسیدن به «خوش‌بختی در آغوش خانواده» به‌منزله الگوی یک خانواده صمیمی و «رابطه عاشقانه همسران» به‌مثابه شعار اجتماعی و ایدئال مطلوب، هنوز در اعماق دل‌ها جاری است. با توجه به اهمیت این موضوعات، در این پژوهش سعی شده است که ویژگی‌های خانواده‌های صمیمی، که در آن‌ها عشق و علاقه و تفاهم و احترام برقرار است، با تکیه بر تحقیقی میدانی و به روش کیفی، شناسایی شوند. هدف از این پژوهش این است که در کنکاشی عمیق در زندگی خانواده‌هایی که صمیمی‌اند و از زندگی رضایت دارند، راز صمیمیت و رموز تداوم رابطه‌ای پربار و عاشقانه کشف شود و به شیوه علمی و سازمان‌یافته ارائه شود. در این پژوهش، پس از آگاهی از قوت و ضعف مطالب موجود در متون، به‌اختصار روش‌شناسی پژوهش حاضر ارائه می‌شود؛ آن‌گاه با استناد به نمونه‌های واقعی از بین خانواده‌های صمیمی و ارائه ویژگی‌ها و سنخ‌شناسی خانواده‌ها با الگوی چنین روابطی بین همسران به تجزیه و تحلیل مطالب و یافته‌ها پرداخته می‌شود.

۲. روابط زوجین در خانواده

۱.۲ روابط صمیمانه

درک رموز صمیمیت در خانواده به تحقیق میدانی نیاز دارد. پیش از ارائه یافته‌های این پژوهش، به بررسی گفته‌ها و پژوهش‌های دیگران می‌پردازیم.

«رابطه» مهم‌ترین نقش را در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کند. ما انسان‌ها در رابطه با انسان‌های دیگر متولد می‌شویم، در رابطه زندگی می‌کنیم، در رابطه رشد می‌کنیم، در رابطه می‌آموزیم، در رابطه هویت و شخصیت‌مان شکل می‌گیرد، در رابطه شادی می‌کنیم، در رابطه با دیگران بیمار می‌شویم، و در رابطه با دیگران می‌میریم.

شاید هیچ بُعدی از ابعاد تجارب زندگی انسان به اندازه رابطه دو فردی که از اشخاص مهم زندگی‌اند، سرشار از عاطفه و هیجان نباشد. قطعاً ایجاد رابطه با سایر انسان‌ها کاری بسیار دشوار و گاه برای برخی اشخاص ناممکن است (ثنایی، ۱۳۷۵). اهمیت رابطه به اندازه‌ای است که رضایت از زندگی افراد به کیفیت آن بستگی دارد؛ زیرا رابطه با دیگران از طرفی می‌تواند حس تعلق، دلگرمی، و یاری‌رسانی در هنگام غلبه بر مشکلات را به وجود آورد و از طرف دیگر، می‌تواند به تعارض، ناامیدی، و به‌طور کلی فشار روانی منجر شود.

در هر حال، رابطه چه خوب و چه بد یا هر دو هسته مرکزی تجربه انسان است. افراد در هنگام تعامل با هم در یک‌دیگر تأثیر می‌گذارند. به تأثیر متقابل بین دو یا چند نفر «هم‌بستگی» (interdependent) می‌گویند. در تعامل‌های درازمدت و صمیمانه، نظیر تعامل با همسر، بهترین دوست، و والدین «هم‌بستگی» زیاد است. مدل «هم‌بستگی» را لوینگر و اسنوک (Levinger and Snock, ۱۹۷۲) مطرح کردند. آن‌ها برقراری رابطه را به پنج مرحله دسته‌بندی کرده‌اند: الف) نقطه بدون تماس؛ ب) مرحله آگاهی؛ ج) تماس سطحی؛ د) تقابل دوسویه؛ ه) ارتباط صمیمانه. مرحله آخر رابطه‌ای است که در آن «هم‌بستگی» افزایش می‌یابد (Sears, ۱۹۸۸: ۲۵۶-۲۵۷).

نوع و کیفیت رابطه معمولاً با ساختار کلی شخصیت مرتبط است. برای نمونه، سالیوان (Sullivan, ۱۹۵۲) و اریکسون (Erikson, ۱۹۵۹) با یک چشم‌انداز تحولی نسبت به ظرفیت درگیر شدن در روابط صمیمی نظر افکنده‌اند.

سالیوان ترکیب کلی صفات شخصیتی را «سیستم خود» (self-system) می‌خواند که در مراحل متفاوت و از راه تجربیات میان افراد به دست می‌آید. در دوره قبل از نوجوانی، توانایی دوست‌داشتن و همکاری با هم‌جنس رشد می‌کند. این دوره به اصطلاح «آشنایی»، نمونه‌ای برای احساس صمیمیت بعدی است. دوره نوجوانی تکالیف عمده جدانشدن از خانواده، کسب ارزش‌ها و معیارها و انتقال به دنیای غیرهم‌جنس است. در دوره جوانی، معمولاً فرد کاملاً اجتماعی و مستقل می‌شود و به جنس مخالف تمایل پیدا می‌کند و قادر

به برقراری رابطه انسانی با دیگران است. در این دوره قادر است صمیمی‌ترین و نزدیک‌ترین ارتباط را در چهارچوب ازدواج به‌تحقق برساند (سیاسی، ۱۳۳۸: ۲۰۵-۲۱۴).

۳. ساختار رابطه

بنا به تعریف استنبرگ (Stenberg)، صمیمیت در الگوی عشق، به میزان نزدیکی‌ای که دو طرف نسبت به هم احساس می‌کنند و این که تا چه حد به هم وابسته‌اند، اطلاق می‌شود (صلیبی، ۱۳۸۲؛ ۱۷۲). به عبارت دیگر، صمیمیت به معنای علاقه‌مندی به دیگران و داشتن تجارب مشترک با آن‌هاست. افرادی که از بیم یک صدمه احتمالی یا به‌علت عدم توانایی برای داشتن تجارب مشترک نمی‌توانند به رابطه‌ای محبت‌آمیز دل بسپارند با خطر تنهایی و گوشه‌گیری روبه‌رو می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخورداری شخص از یک رابطه صمیمانه می‌تواند نقش مؤثری در سلامت روانی و جسمانی او ایفا کند. افرادی که می‌توانند عقاید، احساسات، و مسائل خود را با دیگری در میان بگذارند، سالم و شاداب‌تر از کسانی‌اند که چنین امکانی را ندارند (Traupmann and Hatfield, ۱۹۸۱ cited Atkinson and Hilgard, ۱۹۸۳).

هنگامی که دو نفر در یک رابطه قرار می‌گیرند زندگی آن‌ها در هم تنیده می‌شود. به‌زعم کلی و همکارانش، هریک دیگری را به طرق متفاوت تحت نفوذ قرار می‌دهد. طرفین ممکن است بتوانند احساس شادی یا غم را در یک‌دیگر برانگیزند و به یک‌دیگر برای انجام امور گوناگون کمک کنند یا بر روی روابط، احساسات، اعتقادات، و رفتار یک‌دیگر تأثیر بگذارند: دو فردی که به هم وابسته‌اند، دارای نفوذ متقابل در یک‌دیگرند (Kelly and et al., ۱۹۸۳ cited Sears, ۱۹۸۸: ۲۵۵).

۴. ازدواج رایج‌ترین نوع رابطه صمیمانه

«ازدواج صمیمی‌ترین نوع رابطه و متفاوت از تمامی انواع روابط است. فاصله زیادی بین این رابطه و روابط دیگر وجود دارد» (Hewston, ۱۹۹۱: ۵۱). برای اکثر بزرگسالان شادمانی در زندگی بیش‌تر به ازدواج موفق و روابط زناشویی توأم با رضایت و خوشحالی وابسته است تا سایر زمینه‌های زندگی مانند کار، دوستی‌ها، تفریحات و سرگرمی‌ها یا فعالیت‌های اجتماعی مشترک (Johnson and Harris, ۱۹۸۰: ۵۱۰-۵۱۳).

از نظر براوشاو ازدواج «رکن خانواده است. سلامتی ازدواج، سلامتی خانواده را رقم می‌زند» (۱۳۷۱: ۶۵). در روانپزشکی خانواده، خانواده در حکم زمینه برای کمک به بیمار نیست، بلکه خود بیمار تلقی می‌شود. شخص بیمار یکی از نشانه‌های آسیب‌شناسی روانی خانواده به حساب می‌آید. خانواده کلیتی دارد که تحت تأثیر کنش متقابل عناصر است. خانواده مانند هر نظام اجتماعی نیازهای اولیه‌ای دارد. از جمله این نیازها می‌توان به این موارد احساس ارزش‌مندی، احساس امنیت فیزیکی، احساس صمیمیت و به هم وابستگی، احساس مسئولیت، نیاز به انگیزه، نیاز به شادی، و نیاز به تأیید و تصدیق اشاره کرد (همان، ۵۴). ارضای این نیازها، رابطه سالم زناشویی را تضمین می‌کند و امکان رشد افراد را فراهم می‌آورد. در نتیجه، زن و مرد هرکدام با استفاده از مهارت‌های خاص خود به اتفاق، موسیقی هماهنگی را می‌نوازند.

۵. افزایش صمیمیت زناشویی

صمیمیت در ازدواج بسیار بارز است؛ زیرا رابطه محکم زوجین در زندگی، به طور مثبتی سازگاری و رضایت زناشویی را به همراه دارد. از نظر استرنبرگ (۱۹۸۷) صمیمیت یک نزدیکی، روابط شخصی عاشقانه یا هیجانی با شخص دیگر است که مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر و همین‌طور بیان افکار و احساساتی است که نشانه تشابه با یک‌دیگر است. صمیمیت یک فرایند تعاملی است. محور این فرایند شناخت، درک، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر، قدردانی یا پذیرش دیدگاه منحصر به فرد دیگر از دنیاست. صمیمیت تنها یک تمایل یا آرزو نیست، بلکه یک نیاز اساسی و واقعی انسان است (Bagarozzi, ۲۰۰۱، به نقل از اعتمادی، ۱۳۷۸).

۱.۵ رویکرد تعاملی باگاروزی

صمیمیت یک فرایند تعاملی است که شامل ابعاد مرتبط است. صمیمیت یک نیاز واقعی و ریشه‌دار انسان است و در چهارچوب نیاز بقا برای دل‌بستگی رشد می‌کند. باگاروزی (۲۰۰۱) صمیمیت را نزدیکی، تشابه، و یک رابطه شخصی عاشقانه یا هیجانی با دیگری می‌داند که هشت بُعد صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، عقلانی، جنسی، جسمانی، معنوی، زیبایی‌شناختی، و اجتماعی - تفریحی را شامل می‌شود. شدت کلی نیاز به صمیمیت و ابعاد نه‌گانه آن برای هر فرد، متفاوت از دیگران است. افراد با توجه به تفاوت‌های فردی

در شدت و نوع صمیمیت با یکدیگر تفاوت دارند. با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها در میان افراد، می‌توان درک کرد که چگونه یک زن و شوهری که نیاز کلی‌شان برای صمیمیت از نظر شدت نیاز مشابه است، هنوز ممکن است از در میان گذاشتن تجربه صمیمیت در رابطه‌شان ناراضی باشند. متأسفانه بسیاری از همسران این تفاوت‌ها را خوب یا بد، سالم یا ناسالم، خواستنی یا عکس آن، تعبیر و تفسیر می‌کنند. زوجین به تدریج یاد می‌گیرند که بین شدت نیازهای کلی و شدت ابعاد نیازها تفاوت‌هایی وجود دارد. براساس مدل صمیمیت لوینگر، روابط صمیمی از چند مرحله می‌گذرد: جاذبه، بناء، استمرار، زوال و پایان (فرگاس، ۱۳۷۹: ۳۰۲). این مدل بدین معنی است که هر رابطه‌ای بنا به طبیعتش به زوال منتهی می‌شود. اما همه نظریه‌ها به این بدبینی نیستند.

در همین راستا، باگروزی به دو محور صمیمیت قابل قبول و رضایت متقابل اشاره می‌کند:

۱.۱.۵ صمیمیت قابل قبول و متقابل

صمیمیت یک فرایند پویا و تعاملی است که براساس اطمینان و احترام متقابل شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، هریک از زوجین باید اطمینان کامل برای در میان گذاشتن عمیق‌ترین افکار و احساسات بدون ترس از قضاوت و ارزیابی داشته باشد. علاوه بر این، درک پذیرفتن و پذیرفته شدن در چنین رابطه‌ای لازم است. این پذیرش قابل قبول و متقابل است که به رابطه اجازه می‌دهد به سمت سطوح عمیق اطمینان و عشق حرکت کند.

۲.۱.۵ رضایت قابل پذیرش و متقابل

ممکن است از بحث قبلی این‌طور استنباط شود که اگر دو همسر در شدت نیازهای یک بُعد متفاوت باشند، ممکن است در آن زمینه احساس عدم رضایت کنند. اما، اطلاعات بالینی از این دیدگاه حمایت نمی‌کند و وجود اختلاف در ابعاد صمیمیت لزوماً به معنای عدم رضایت نیست و ممکن است علی‌رغم اختلاف در این زمینه باز هم رابطه رضایت‌بخشی داشته باشند.

رضایت از صمیمیت یک موضوع کاملاً شخصی و ذهنی است. این فرایند ارزیابی ذهنی با در نظر گرفتن دو فرایند رضایت قابل قبول و رضایت متقابل قابل درک است. رضایت قابل قبول یک رضایت درونی است که یک فرد با میزان و کیفیت پذیرش نسبت به همدلی و درکی که همسر در پاسخ به خودافشایی صمیمانه و ابراز یک نیاز احساس شده نشان می‌دهد، تجربه می‌کند. رضایت متقابل یک رضایت درونی است که یک شخص با عمق،

میزان، کیفیت خودافشایی همسر و بیان نیاز احساس شده برای ابعاد صمیمیت مشترک تجربه می‌کند (باگاروزی، ۲۰۰۱).

۲.۵ رویکرد تکاملی شارپ

شیلا شارپ (۲۰۰۰) رویکرد رشدی یا تکاملی عشق را مطرح می‌کند. از این دیدگاه رابطه صمیمانه زوجین پنج مرحله تکاملی را طی می‌کند: الف) عشق رمانتیک؛ ب) عدم توافق و ناسازگاری؛ ج) تمایز و پذیرش؛ د) هماهنگی؛ ه) عشق بالغانه. نظیر چنین رویکردی را خانم سوزان کمپل در رابطه چند مرحله‌ای خود نشان می‌دهد: شیدایی، جنگ قدرت، پذیرش مسئولیت، تعهد، عشق بدون شرط. به نظر او از زمانی که «من و تو» به «ما» تبدیل می‌شود، آن وقت عشق واقعی شروع شده است (Campbell, ۲۰۰۵). در این قبیل مدل‌های مرحله‌ای، معمولاً آخرین مرحله، عشق واقعی است و نه جدایی. الگوهای ارتباط و تماس و الگوهای جدایی و فردیت در طی مراحل نقش اساسی دارند.

در روابط زناشویی و صمیمانه، اصول اساسی نظریه برابری به این صورت است که زوجین در تلاش‌اند سود حاصل از روابط را در برابر هزینه‌ای که پرداخت می‌کنند، افزایش دهند. بر اساس این نظریه، یک فرد هنگامی از روابطش بیش‌ترین احساس رضایت را دارد که بیش‌ترین احساس برابری را داشته باشد؛ یعنی نسبت بین سود و منفعت دریافت‌شده در روابط و میزان هزینه‌ای که بابت آن پرداخت کرده است، برابر درک شود. اخیراً نظریه برابری به‌طور موفقیت‌آمیزی برای پیش‌بینی روابط صمیمانه‌ای مثل روابط زن و شوهر به‌کار می‌رود (دیویدسون، ۱۹۸۴؛ پرنس و دیگران، ۱۹۹۳ به نقل از لارسون و دیگران، ۱۹۹۸).

ادراک برابری مربوط به درک تعادل در روابط است. بعضی زوجین احساس می‌کنند به همان اندازه که در روابطشان هزینه می‌کنند، همان مقدار نیز دریافت می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، زوجین در بدنه‌بستان‌های خود در زمینه عشق، محبت، روابط جنسی، پول و زمان باهم‌بودن احساس تعادل می‌کنند. زمانی که زوجین احساس کنند داده‌ها بیش‌تر از ستانده‌هاست، احساس نابرابری می‌کنند. و زمانی که این احساس نابرابری ایجاد شود روابط زناشویی آشفته می‌شود. هر قدر احساس نابرابری بیش‌تر باشد، میزان آشفتگی و تعارض نیز افزایش می‌یابد. احساس نابرابری در روابط به دو صورت می‌تواند مطرح باشد: زمانی که زوجی احساس می‌کند بسیار کم‌تر از آنچه در روابط زناشویی هزینه کرده، دریافت داشته است؛ در نتیجه احساس ضرر و زیان، خشم، دلخوری، غم، ناکامی، و افسردگی می‌کند؛ دیگری

زمانی که یک زوج احساس می‌کند بسیار بیش‌تر از آنچه داده است، ستانده است؛ در این حالت احساس گناه، شرم، حقارت، سرزنش خود، خودتحقیری و افسردگی خواهد کرد. نظریه ادراک برابری یک نظریه روان‌شناختی - اجتماعی است که مربوط به درک میزان صداقت، انصاف و وفاداری در روابط بین‌فردی است. این مفهوم را والس‌تر و همکارانش (۱۹۷۸) مطرح کردند.

حمایت بیش‌تر برای کار بر روی روابط صمیمانه را دوهرتی و کلانگو (۱۹۸۴) مطرح کردند. آن‌ها می‌گویند که صمیمیت زناشویی بدون حل مسائل اساسی‌تر مانند انصاف رشد نخواهد کرد. صمیمیت مانند مرکز یک هرم است که برای اکثر مردم زیربنای آن اعتماد، به این معنی است که همسر مطمئن باشد وقتی تعارضی بروز می‌کند، همسرش منصف خواهد بود. بنابراین، صمیمیت فقط وقتی تجربه می‌شود که این اطمینان وجود داشته باشد که فرد دیگر منصف یا برابر است (Larson, and et al., ۱۹۹۸).

در پژوهشی دیگر، عنوان شده است که صمیمیت عنصری ترکیبی، چندبُعدی، رشدیابنده، پویا و تکاملی است. به عبارتی، صمیمیت یک هنر و مهارت است (اعتمادی، ۱۳۸۷: ۳۷). بنابراین، از نظر او «برای ایجاد و تداوم روابط صمیمانه و حل مشکلات مربوط به آن از یک سو، بررسی تاریخچه روابط زوجین، الگوهای ارتباطی و سبک‌های دل‌بستگی و وابستگی و غیره ضروری است». هنر صمیمیت مستلزم کسب نگرش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای خاص است و لذا، تغییر در باورها و اصلاح انتظارات غیرواقع‌بینانه لازم است. تحلیل‌های دیگری در این زمینه وجود دارد که مبتنی بر تحقیقات است؛ به‌زعم یک پژوهش، از افرادی که رابطه صمیمی را تجربه کرده بودند، خواسته شد تجارب خود را بیان کنند. دریافتند که استمرار و پایایی، مسئولیت‌پذیری، مذاکره‌پذیری، همدلی، موافقت، هماهنگی، خودافشایی، آسان‌گیری، محدودیت و تعالی از جمله مؤلفه‌های صمیمیت‌اند (Berger and Hannah, ۱۹۹۹ به نقل از اولیا و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

صحبت درباره صمیمیت چندان معمول نیست؛ زیرا از یک سو، بحث در این باره خیلی عملی به نظر نمی‌رسد و از سوی دیگر، صمیمیت درباره زوجین مستلزم یادآوری روابط جنسی نیز می‌شود. براساس ادبیات مربوط به موضوعات زناشویی، صمیمیت در رابطه دیرپای عاشقانه با توجه به سطح تعهد و نزدیکی عاطفی شناختی و فیزیکی که فرد در رابطه متقابل خود تجربه می‌کند، تعیین می‌شود. تحقیقات فاروجیا و هوکاس (Farrugia and Hhhou) نشان داد که دل‌بستگی، مراقبت و مسائل جنسی از مواردی‌اند که

سهم منحصر به فردی برای برقراری رابطه عاشقانه دارند. این اظهارات با گفته‌های سایرین که بر روابط جنسی رضایت‌مندانه تأکید کرده‌اند نیز مطابقت دارد (اولیا و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

۶. تصمیم‌گیری و قدرت در خانواده

قدرت بر همه روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد و روابط زناشویی از این قاعده مستثنا نیست. با وجود این که در خانواده نوع برخورد با موضوع قدرت به حسب الگوی رابطه متفاوت است، به هر حال، حضور دارد. لذا بی‌مناسبت نیست نگاهی بر چگونگی قدرت در روابط زوجین بیندازیم. اگر قدرت را دارای قابلیت تأثیر در رفتار دیگران و خنثی کردن مقاومت بدانیم، در آن صورت صور گوناگونی برای بررسی قدرت در رابطه وجود دارد (Huston, ۱۹۸۳). مقولاتی مثل در اختیار داشتن منابع، تقسیم کار در خانه و نوع تصمیم‌گیری با مسئله قدرت گره خورده است. این موضوع همیشه مورد توجه متفکران بوده است. یکی از مطالعات اولیه که در امریکا صورت گرفته است و سایر مطالعات بدان استناد یا مراجعه یا با آن مقایسه می‌کنند، مربوط به رابرت بلاد و دونالد ولف است (۱۹۶۰، Robert Blood and Donald Wolf؛ به نقل از Clayton, ۱۹۷۵). بنابر نظر این محققان، شوهر در زمان‌های گذشته فراهم‌کننده منبع اقتصادی خانواده و امتیاز مسلط بودن «اگر نه حاکم مطلق بودن» را دارا بود، اما این وضع امروزه تغییر کرده و حالا زن و شوهر اگر در واقعیت هم مساوی نباشند، بالقوه مساوی‌اند.

حال قوی بودن به صرف مرد بودن مهم به‌شمار نمی‌رود، بلکه مهارت در زندگی، باکفایت و محق بودن، صرف نظر از جنسیت، مهم و تعیین‌کننده است. به عبارت دیگر، نظام ازدواج در حال حاضر با هنجارهای برابرگرایانه اداره می‌شود.

از این رو، به نظر می‌رسد که اکثر طبقه‌بندی‌ها از خانواده یا قدرت در خانواده بر این مبناست که مرد یا زن قدرت را در دست دارد یا گرایش به سوی همکاری و اشتراک قدرت است؟ اغلب مردم از اعتراف به داشتن قدرت ابا دارند. به‌رغم این‌ها، هوکر و بارتون (Hocker and Burton, ۱۹۸۵) معتقدند که قدرت در تعاملات اجتماعی حضور دارد. آن‌ها مدعی‌اند که رابطه قدرت از وابستگی افراد به یکدیگر در روابط بین فردی ظاهر می‌شود. چنین است که در روابط صمیمانه، به‌رغم نابرابری، قدرت مسئله آنان نیست. از این رو، به نگرشی دیگر، در توضیح روابط همسران که قدرت مسئله آنان نیست، نیاز است. در راستای این نیاز رویکردهای متفاوت بر محور انواع متفاوت «اقتصادیات» ارائه شده است

که در آن، روابط به دو نوع «اقتصاد» تقسیم می‌شود: الف) اقتصاد وامی (debt economy)؛ ب) اقتصاد هدیه‌ای (gift economy). درحقیقت، مهم این است که آیا طرفین در روابطشان برای خود حساب شخصی باز می‌کنند یا نه؛ زیرا منطبق این دو نوع اقتصاد با یکدیگر متعارض‌اند. در تقسیم‌بندی ایشان، مدلی که ارائه می‌دهد شامل تقسیم کار خانگی (کار با دست‌مزد یا بدون دست‌مزد (مانند نگهداری از بچه)، مدیریت و سازماندهی زندگی روزانه را شامل می‌شوند. به عبارت دیگر، آیا تعامل میان اعضای خانواده نشان‌گر رابطه شبه‌بازاری (مبادله) یا رابطه متقابل دوجانبه (هدیه) است. خلاصه این‌که، به نظر می‌رسد به‌رغم اهمیت قدرت در رابطه میان‌فردی در روابط زناشویی مبتنی بر صمیمیت، موضوع قدرت با این‌که ممکن است وجود داشته باشد، مسئله مهمی نیست.

۷. تحقیقات در ایران

در ایران، تحقیقات چندانی در زمینه صمیمیت صورت نگرفته است. دیگران نیز به این نکته پی‌برده‌اند: به‌قول عذرا اعتمادی و همکارانش «علی‌رغم اهمیت صمیمیت در روابط زناشویی تاکنون تحقیقات کاربردی اندکی در این زمینه انجام شده است (اعتمادی، ۱۳۸۵). با این حال، در همین تحقیقات اندک اهمیت این موضوع را یادآور شده‌اند. مثلاً عرفان اکبری در بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت در بین همسران و تأثیر درمان مشکلات ارتباطی نشان داده است که می‌توان مشکلات صمیمیتی زوجین را با بهبود ارتباط بین آنان بهبود بخشید. در پژوهش دیگر نیز نشان داده شده است که آموزش غنی‌سازی ارتباط بر رضایت زناشویی اثر مثبت دارد (خجسته‌مهر و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۶).

در پژوهش انجام‌شده درباره تأثیر ایماگوتراپی (رابطه درمانی ایماگو) بر افزایش صمیمیت بین زوجین آمده است که کاربرد تکنیک‌های ایماگوتراپی در میزان صمیمیت عاطفی، عقلانی و جنسی و جسمانی زوجین مؤثر بوده است که این، خود، نشانه‌ای از به‌هم‌پیوستگی این عناصر با صمیمیت است (اعتمادی و همکارانش، ۱۳۸۵). گفته شده است که متغیرهای دموگرافیک، مثل سواد، شغل و مدت ازدواج (جوان و میان‌سال) پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت و معنادار در روابط عاشقانه زوجین و مؤلفه‌های آن است. همچنین، اشاره شده است که روابط عاشقانه به روابط جنسی و ویژگی‌های شخصیتی ربط دارند (قمرانی و جعفر طباطبائی، ۱۳۸۵: ۹۵). خجسته‌پور و همکارانش دریافته‌اند که آموزش‌های ارتباط بین زوجین به افزایش صمیمیت می‌انجامد؛ زیرا این آموزش‌ها خطاهای

شناختی را به حداقل می‌رساند و برچسب‌زدن‌های منفی را کاهش می‌دهد، یادگیری ارتباط کارآمد و انتقال روشن و صحیح افکار، احساسات و نیازها به افزایش صمیمیت می‌انجامد؛ احترام به عقاید و گوش کردن، همدلی و درک هم‌دیگر از طریق مکالمه‌ای آگاهانه، ایجاد ارتباط عاطفی و داشتن رابطه جنسی مطلوب نیز به صمیمیت عاطفی کمک می‌کند. مشارکت هم بُعد معنوی صمیمیت است که با آموزش ارتقا می‌یابد (خجسته‌پور، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۵).

البته، به‌طور پراکنده در محافل و نشریات غیرتخصصی درباره صمیمیت و اهمیت آن مطالب زیادی گفته شده است. برای نمونه، دکتر فریور نشان‌دادن و ابراز احساسات و درک احساسات طرف مقابل را در رسیدن به زندگی رضایت‌مندانه مؤثر می‌داند. به‌قول ایشان «در زندگی مشترک وقتی عشق و مهر و محبت و مشارکت عادلانه بین زوجها باشد، صمیمیت به وجود می‌آید. صمیمیت در روابط زناشویی جنبه‌های قوی عاطفی و اجتماعی دارد که به پویایی و تداوم زندگی مشترک کمک فراوان می‌کند» (۱۳۸۸: ۴). از این قبیل بحث‌های مشاوره‌ای و نصیحت‌گونه که منشأ پژوهشی ندارند، فراوان دیده می‌شود.

۸. اهداف تحقیق

هدف کلی طرح تحقیقاتی حاضر شناسایی ویژگی‌های روابط صمیمانه در بین زوجین و به‌عبارت دقیق‌تر، کشف و شناسایی خصوصیات مشترک رابطه صمیمانه در بین همسران و طبقه‌بندی مقولات و مفاهیم کلی است. برای رسیدن به این هدف از روش ذیل استفاده شده است.

۹. ملاحظات روش شناختی

این پژوهش عمدتاً تلفیقی از توصیف و تبیین است، لذا این بررسی اساساً مبتنی بر روش کیفی است که با این‌گونه مطالعات سنخیت دارد. در میان روش‌های کیفی بیش‌ترین استفاده از روش نظریه مبنايي (grounded theory method) شده است (استراس و کوربین، ۱۹۹۰؛ محمدی، ۱۳۹۰).

در این پژوهش روش‌های گردآوری اطلاعات عمدتاً مصاحبه و تاحدودی مشاهده است. منبع اطلاعات، زوجین و تجربه افراد است؛ بنابراین، از داده‌های منابع کتاب‌خانه‌ای، مصاحبه با افرادی که در زمینه‌های موردنظر تجاربی دارند، مشاهده و ملاحظه افرادی که در این‌باره رفتارهای خاص از خود نشان می‌دهند و حتی مشاهده مشارکتی استفاده شده

است. در این شیوه‌ها، روش نمونه‌گیری مفهومی (مصاحبه در مواقعی که پژوهش‌گر بتواند درباره مفاهیم مورد نظر اطلاعاتی بدهد) به‌کار گرفته شده است که در آن مصاحبه‌ها و مشاهدات از موارد ناهمگن صورت گرفته تا داده‌ها همه گروه‌ها را دربرگیرد و در نتایج جهت‌گیری نشود. گردآوری اطلاعات تا حد «اشباع نظری»، یعنی تا جایی که داده‌ها تکراری شده‌اند و افزایش مصاحبه‌ها و مشاهدات به اطلاعات موجود نمی‌افزوده، صورت گرفته است. در مجموع، بعد از ۳۰ مورد، مصاحبه و مشاهده داده‌ها تکراری شده‌اند؛ اما برای اطمینان از روایی و قابلیت اعتماد تا ۲۰ مورد اضافی دیگر مورد ملاحظه قرار گرفته است. کدگذاری یا تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز تا حد شناسایی مفهومی‌ها و مقوله‌های انتزاعی‌تر صورت می‌گیرد؛ لذا این پژوهش به سؤالات درباره این‌که کدام گروه‌های اجتماعی یا منطقه‌ای روابط صمیمانه‌تری را دارند جواب نمی‌دهد، بلکه به ویژگی‌های این نوع رابطه در زندگی زناشویی تمرکز دارد.

لازم به یادآوری است که میزان اطلاعات به مراتب بیش‌تر از آن است که در این مقاله بگنجد؛ لذا اکثر آن‌ها برای جلوگیری از طولانی‌شدن مطالب یا اجتناب از تکرار حذف شده‌اند.

۱۰. ویژگی‌های ساختار صمیمانه (یافته‌ها)

خانواده صمیمی خانواده‌ای است که به مدل مورد تأیید مدرنیست‌ها، فمینیست‌ها، و اومانیست‌ها و هر فرد و گروهی که به مشارکت در تصمیم‌گیری و احترام متقابل زن و مرد معتقد است، مشابه و نزدیک باشد. با این‌که ویژگی‌های کلی این نوع خانواده‌ها از متون قابل استنباط است، اما معمولاً خود آن‌ها به‌طور مستقیم به موضوع صمیمیت نمی‌پردازند. در پژوهش حاضر سعی شده است تا با مراجعه به موارد مشاهده‌پذیر و واقعی مشخص شود که چنین خانواده‌هایی در عمل چگونه‌اند. با استفاده از روش یادشده ویژگی‌های آن‌ها در عمل شناسایی شده است. در ذیل آن، ویژگی‌ها با استناد به مواردی که مشاهده شده‌اند، طبقه‌بندی و ارائه خواهند شد.

ابتدا نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده (درباره زندگی مشترک زوجین)، یا ویژگی‌هایی که در این پژوهش، رابطه صمیمانه در بین همسران تلقی می‌شود، ذکر شده است.

– مرد ۶۰ ساله، فوق‌لیسانس روان‌شناسی؛ زن ۵۶ ساله، لیسانس مامایی؛ ۳۳ سال زندگی مشترک داشته‌اند و دارای سه فرزندند.

خانم می‌گوید:

در همه کارها باهم مشورت می‌کنیم و همه دارای مان با هم مشترک است. معاشرت‌ها و سفرهایمان را با هم فکری هم انجام می‌دهیم و ترجیح می‌دهیم که در سفرها و مهمانی‌ها باهم باشیم. تنهایی به ما خوش نمی‌گذرد. ما با هم دوست هستیم. من و همسرم زوج نمونه خانواده هستیم، ما عاشق یکدیگریم. او مرد با محبت، خوب، و همراهی است، همیشه نسبت به هم محترمانه برخورد کرده‌ایم، قدر هم‌دیگر را می‌دانیم و عملاً هم نسبت به هم قدردانی می‌کنیم. از بودن در کنار هم لذت می‌بریم. اگر مسئله‌ای پیش بیاید، با هم صحبت می‌کنیم؛ اگر از مسئله‌ای ناراحت شوم، سکوت می‌کنم و سعی می‌کنم آرامشم را حفظ کنم. در امور منزل و بچه‌ها هر دو احساس مسئولیت می‌کنیم و کارها را با مشارکت هم‌دیگر انجام می‌دهیم.

مرد می‌گوید:

خانم من بسیار توانا، مهربان، قابل اعتماد و مدیر است، مادری مهربان برای بچه‌ها و همسری همراه برای من. از همه توانایی‌هایش برای بهبود زندگی استفاده می‌کند. من گاهی فکر می‌کنم بیش از خودم، به فکرم است و راجع به همه مسائل فکر می‌کند و حساس است. موفقیت‌هایم را در زندگی مدیون او هستم. او هم نسبت به من همین احساس را دارد و من این را متوجه می‌شوم. زندگی ما ایدئال است. ما برای ایدئال نگهداشتن زندگی مان همیشه تلاش می‌کنیم.

در این نمونه مشخص است که زوجین هم‌دیگر را دوست دارند و رابطه به گونه‌ای است که هر وقت مشکلی دارند، می‌توانند با هم‌دیگر صحبت کنند. هر دو قدردانند و هر کدام طرف مقابل را قابل اتکا می‌دانند؛ زیرا هر دو احساس مسئولیت می‌کنند.

– زن ۲۸ سال؛ مرد ۳۰ سال؛ زندگی مشترکشان ۶ سال است و دارای یک فرزندند.

مرد می‌گوید:

من و همسرم زندگی خوبی داریم. همسرم دختر خوب، زیبا، عاقل، خانواده‌دار و فهمیده‌ای است. خانواده بسیار خوبی دارد. پدر و مادرش فرهنگی و استاد دانشگاه هستند. خانواده من هم فرهنگی‌اند و زندگی کارمندی داریم.

از ابتدای زندگی همه چیز ما مشترک بود. بعد از مدتی خانه‌ای خریدیم، همسرم دوست داشت به نام او باشد، من هم موافق بودم. دوست دارم همیشه او خوشحال و راضی باشد. من کلی حقوقم را به او می‌دهم، او خیلی خوب مدیریت می‌کند. او دختر بالیاقت و عاقلی است. در مدتی که با هم زندگی کرده‌ایم، نسبت به او اعتماد پیدا کرده‌ام.

هر دو به هم اعتماد داریم. قدر هم‌دیگر را می‌دانیم و با هم محترمانه برخورد می‌کنیم. اگر مشکلی پیش بیاید، با هم صحبت می‌کنیم و سعی می‌کنیم با آرامش و منطق آن را حل کنیم. او هم صحبت خوبی برای من است و سعی می‌کنم من هم برای او همین‌طور باشم. من خانواده‌ام را دوست دارم و از وجودشان لذت می‌برم.

زن می‌گوید:

من از ازدواج می‌ترسیدیم، چون مردها را باور نداشتم و به آن‌ها بی‌اعتماد بودم. آشنایی با شوهرم باعث شد که تجربه‌ای متفاوت از قبل داشته باشم. او مردی آرام، مهربان، مسئول و قابل‌اعتماد بود، هیچ‌گونه رفتار تند و هیجانی در این مدت از او ندیدم. او خانواده خوب و مهریانی دارد. در مواردی که نیاز داشته باشیم، همواره از ما حمایت کرده‌اند. در زندگی ما همه چیز مشترک است. او حقوقش را به من می‌دهد و من مدیریت می‌کنم، کارهای خانه و بچه‌داری را با هم انجام می‌دهیم. او اعتقاد به برابری دارد. البته، به زن احترام خاصی می‌گذارد. در هر موردی اول نظر من را می‌پرسد، سپس اقدام می‌کند. با هم به معاشرت‌ها و مهمانی‌ها می‌رویم، او همیشه همراه است، اصولاً اهل مقاومت و مخالفت نیست، من هم سعی می‌کنم او را درک کنم و توقع بیش‌ازحد از او نداشته باشم. او به من ثابت کرد که من در درجه اول اهمیت هستم، سپس بچه و خانواده‌اش. اگر از مسئله‌ای ناراحت باشم، او تنها کسی است که می‌تواند کمک و آرامش کند؛ من بهترین انتخاب را داشته‌ام. شوهر برای من، یعنی آرامش و عشق.

این زوج، علاوه بر این که به هم‌دیگر عشق و علاقه و اعتماد دارند و از هم قدردانی می‌کنند، از مصاحبت هم‌دیگر لذت می‌برند و قادرند درباره مسائل بحث و تبادل نظر کنند و به نتیجه برسند. همچنین، تلاش می‌کنند که هم‌دیگر را خوشحال کنند و هر دو متوجه این تلاش بوه‌اند و هم‌دیگر را باور دارند. هر دو نسبت به هم و زندگی‌شان مسئول‌اند و در کنار یک‌دیگر مسائل را حل می‌کنند. در مجموع، آن‌ها در کنار هم‌دیگر پاسخ بهتری به نیازهایشان دارد. این نوع هم‌بستگی از ویژگی‌های چنین روابطی است که بارها در میان زوجین تکرار می‌شود.

همان‌طور که در شاهد مثال‌ها دیده می‌شود. رابطه صمیمانه همیشه چیزی بیش‌تر از نیاز طرفین به هم‌دیگر است. برای درک این نکته باید به کلیت رابطه توجه نمود. مثال‌های ذیل تأییدکننده آن است:

- مصاحبه با مرد کارمند ۳۰ ساله، زن کارمند ۲۶ که تحصیلات هر دو دیپلم است.

من و دخترخاله‌ام علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها با هم ازدواج کردیم، او زنی قوی و

توانمند با خصوصیات مردانه بود. ریاست خانه به عهده اوست، او نسبت به مسائل مسئولانه برخورد می‌کند. ما هر دو شاغل هستیم، درآمد او بیش‌تر از من است. در مسائل مالی زندگی با هم شراکت می‌کنیم و با هم یکی هستیم، او خیلی بادقت خرج می‌کند و سخت می‌گیرد، گاهی در این موارد با هم دچار اختلاف‌نظر می‌شویم، داد و بیداد هم می‌کنیم، او قهر می‌کند، من کوتاه می‌آیم و آشتی می‌کنیم. کارهای خانه را با هم انجام می‌دهیم، دوست ندارم او خسته شود. سعی می‌کنم همیشه به او توجه کنم و او را در نظر بگیرم. به او احترام می‌گذارم و بابت همه زحمات از او تشکر و قدردانی می‌کنم، او بیش از توانش زحمت می‌کشد. ما درباره مسائل خصوصی مان خودمان تصمیم‌گیری می‌کنیم، اجازه دخالت به خانواده‌هایمان نمی‌دهیم، اگر از جانب آن‌ها دخالتی هم پیش بیاید، ما مخالفتی نمی‌کنیم اما، در نهایت، خودمان تصمیم‌گیری می‌کنیم. تصمیمات هم باید مورد توافق هر دوی ما باشد، اگر او مخالفت کند، کاری انجام نمی‌دهم. ما با هم شریک هستیم باید موافقت او را جلب کنم.

در زندگی سه تا آرزو داشتیم: ۱. داشتن خانه، ۲. خرید ماشین، و ۳. ازدواج با همسر - زندگی خوبی دارم و به آرزوهایم رسیده‌ام. احساسم راجع به زندگی مشترک عالی است.

در این رابطه مرد زن را قبول دارد، قدر او را می‌داند و به او احترام می‌گذارد. حساب‌گری در رابطه آن‌ها دیده نمی‌شود. همسر را شریک خود می‌داند و با او همراهی و همکاری می‌کند. اجازه دخالت در زندگی‌شان را نمی‌دهند و با وجود رابطه صمیمانه گاه بگومگوهایی دارند، اما این ناملازمات کل رابطه را به‌خطر نمی‌اندازد.

- مرد ۲۹ ساله دانشجوی ترم آخر کاردانی و کارگر اداره، زن ۳۱ ساله فوق‌دیپلم و کارمند. طول زندگی مشترکشان دوسال است و بچه ندارند.

مرد می‌گوید:

من و همسر همکار بودیم؛ در اداره با هم آشنا شدیم و ازدواج کردیم. زندگی خوبی داریم و هر دو رضایت داریم، به هم احترام می‌گذاریم، اختلافات را با صحبت‌کردن حل می‌کنیم، اجازه دخالت به خانواده‌هایمان نمی‌دهیم. همه کارها و امور زندگی‌مان با مشورت با هم انجام می‌شود. همه کارهای خانه را با هم انجام می‌دهیم. هر دوی ما هم کار خانه و هم کار بیرون را انجام می‌دهیم. من انتخاب خیلی خوبی کردم. خوشحالم که همسرم شاغل است، خانم‌های شاغل فهمیم‌ترند.

زن می‌گوید:

من و همسرم زندگی خوبی داریم. زندگی را با هم می‌چرخانیم، همیشه با هم مشورت می‌کنیم. با هم هماهنگ هستیم. مسائل مالی ما با هم مشترک است. هر دو از درآمد و پول

هم مطلع هستیم. از همسر رضایت دارم و او برایم ایدئال است فقط مشکلات مالی و کاری باعث نگرانی من است.

در مثال فوق، ویژگی اشتراک مساعی پررنگ‌تر است و احساس رضایت از زندگی مشترک حاصل شده است. هم‌خوانی شخصیت زوجین و هم‌فرهنگ بودن آن‌ها به قدرت صمیمیت و همدلی‌شان کمک کرده و به تفاهم و رضایت منجر شده است. کلاً جاذبه میان فردی به دوستی بین آن‌ها انجامیده است. زن و شوهر هر دو همسر محورند. همکاری و هم‌فکری نزدیک از ویژگی‌های چنین خانواده‌هایی است. در این مثال، به‌رغم این‌که ظاهراً علاقه مرد به زن شدیدتر است، با این حال، به‌نظر می‌رسد که اصل علاقه متقابل برقرار است و اختلاف بزرگ ندارند و رضایت از زندگی مشهود است.

لازم به یادآوری است: الزاماً در روابط صمیمی همیشه خوشی و شادی حاکم نیست؛ گاه با مشکلاتی مثل رنجش، قهر و آشتی و دیگر ناملایمات همراه است. اما در تمام احوال زوجین می‌توانند روابط خود را مدیریت و رنجش‌ها را برطرف کنند.

ما نمی‌دانیم که رابطه صمیمانه در کدام یک از گروه‌ها، اقشار و مناطق بیش‌تر است؛ زیرا که دسترسی به چنین دانشی نیازمند تحقیقات پیمایشی است. با این حال، لازم به یادآوری است که تا آن‌جا که یافته‌های ما نشان می‌دهد این نوع رابطه در همه اقشار و گروه‌ها دیده می‌شود. برای نمونه، مثالی از آقا و خانمی که هر دو پزشک‌اند می‌آوریم:

– آقا ۴۲ ساله و خانم ۳۸ ساله، که یک فرزند ۲ ساله دارند و در کمال صمیمیت زندگی می‌کنند.

ما با عشق شروع کردیم و تا حالا هم سعی کردیم آن را حفظ کنیم. من به همسرم افتخار می‌کنم و از وجود او احساس غرور می‌کنم او مرد مهربان، ملایم و فهمیده‌ای است. بهترین ویژگی او این است که خوب درک می‌کند. ما به راحتی می‌توانیم با هم حرف بزنیم و از مصاحبت یک‌دیگر لذت ببریم. البته، هر دو گرفتار کار هستیم اما اوقات باکیفیتی را کنار هم می‌گذرانیم. هر دو تلاشمان این است که دیگری را خوشحال کنیم و این تلاش دوطرفه زندگی‌مان را گرم و صمیمی نگهداشته است.

اموال ما در زندگی مشترک است. البته، این امر به اصرار من بوده است؛ چرا که او همواره می‌خواهد من مالکیت‌ها را برعهده داشته باشم. ما خانواده و دوستان خوبی داریم، اگر فرصتی داشته باشیم، دوست داریم با هم به دیدنشان برویم. کارهای خانه و بچه‌داری را هرکدام بتوانیم انجام می‌دهیم و وظیفه دیگری نمی‌دانیم. هر دو در خدمت زندگی‌مان هستیم.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تمام ویژگی‌های خانواده صمیمی را دارند. با این‌که این زوج از قشر تحصیل‌کرده‌اند. احتمالاً تصور عامه بر این است که صمیمیت در بین خانواده‌های روستایی و افراد ساده و کم‌سواد و قشر پایین بیش‌تر است. اما همان‌طور که گفتیم، این قبیل اظهارات به تحقیقات بیش‌تر نیاز دارد. با این حال، تجربه محققان مقاله حاضر حاکی از این است که الگوی رابطه صمیمانه در میان همه اقشار و گروه‌ها دیده می‌شود با این‌که تخمین میزان آن در میان گروه یا اقشار خاصی با داده‌های فعلی ناممکن است.

۱۱. رابطه صمیمانه مبتنی بر خردمندی

الگوی صمیمیت همواره مبتنی بر علاقه و عشق بسیار قوی نیست؛ بلکه در مواردی به‌ویژه؛ در افرادی در سنین بالا خردمندی نقش مؤثرتری دارد. این زمانی است که به قول سوزان کمپل، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، آن‌جا که «من و تو، ما می‌شویم». در این مرحله زوج‌ها علاوه بر این‌که، به یک‌دیگر علاقه دارند، عاقل‌اند و می‌دانند که چطور رنجش‌ها را برطرف کنند، هوای هم‌دیگر را داشته باشند، قدر هم‌دیگر را به معنی واقعی بدانند. از همه مهم‌تر، می‌دانند که چه‌طور هم‌دیگر را راضی کنند یا کی و کجا کوتاه بیایند، بحث را قطع کنند تا از اصطکاک اجتناب کنند. در ادامه مثال‌هایی از رابطه صمیمانه مبتنی بر خردمندی ذکر می‌شود.

– مرد ۴۱ ساله و معلم و همسرش دیپلمه و کارمند است. ۱۲ سال زندگی مشترک دارند.

من و همسر ۱۳ سال است که با هم زندگی می‌کنیم و یک فرزند داریم. از نظر تحصیلات و خانواده و شغل و... هماهنگ هستیم. موقعیت و منزلت خانوادگی همسر کمی از ما بالاتر است. از نظر ظاهر و زیبایی هم در یک سطح هستیم. من همسر را دوست دارم و از زندگی مشترکمان رضایت کامل دارم. ما با هم خوش هستیم. با خانواده همسر مثل خانواده خودم صمیمی هستیم. تفریح ما این است که با هم به سفر برویم، هیچ کس هم سربردار دیگری نیست. همه پول روی هم می‌گذاریم و به سفر می‌رویم، همه لذت می‌بریم، تصمیمات زندگی را با هم می‌گیریم. او زن دانایی است. اهل بریز و پاش نیست. اهل زندگی است. سخت نمی‌گیرد. در مورد تلویزیون و دکور خانه هر چه خانم بگوید. برای سفر رفتن و مهمانی رفتن و ... هر جور خودش بخواهد. برای من مهم نیست. من در کارهای خانه کمک می‌کنم. تقریباً همه کار می‌کنیم. خانم من شاغل است و من می‌دانم که او هم خسته است. گاهی او دیرتر از من برمی‌گردد. من حتی شام هم می‌پزم. من مشکلی ندارم، دوست دارم که در خدمت آن‌ها باشم. زن هم انسان است. فرقی ندارد ما به هم احترام می‌گذاریم. هم‌دیگر را دوست داریم. به مناسبت‌ها کادو می‌خریم. البته، سلیقه خانم بهتر از من است.

امور خانه‌مان را با هم مشترک انجام می‌دهیم. با هم صحبت می‌کنیم و هر دو به نتیجه می‌رسیم که فلان کار را بکنیم یا فلان چیز را بخریم یا نخریم. در خانه ما آرامش هست. خانه را دوست دارم. همسر من زن صبوری است. درک می‌کند کم‌تر پیش می‌آید که اختلافی بین ما بشود. اما گاهی بر سر بچه و مسائلش دعوا می‌کنیم. او قهر می‌کند. چند ساعتی به خانه پدرش می‌رود. من هم طاقت نمی‌آورم، می‌روم و او را از خانه پدرش می‌آورم. من فکر می‌کنم زن‌ها حساس هستند، مردها باید رعایت آن‌ها را بکنند. حمایتشان کنند. توقع زیاد نداشته باشند. نباید با آن‌ها با خشونت رفتار کنند. اگر رفتار مناسبی با آن‌ها داشته باشیم، زندگی خودمان بهتر می‌شود. خشم و قلدری و خشونت روش من نیست. من قدر زن را می‌دانم. از این‌که ازدواج کردم خوشحالم و از انتخابم هم خوشحال هستم.

زن سی‌ساله، لیسانس زبان انگلیسی، کارمند فروش در شرکتی خصوصی و همسرش ۳۴ ساله، لیسانس حسابداری، کارمند بانک که ۶ سال زندگی مشترک دارند:

در خانه ما تصمیم‌ها تقسیم شده است. مسافرت‌ها و خریدها با مشورت یک‌دیگر، مهمانی‌ها با من، اما انتخاب کانال تلویزیون با همسر. از رفت و آمدهای هم‌دیگر خبر داریم. ایشان از پس‌انداز و حقوق من خبر دارد چون در بانک کار می‌کند، حتی حقوق مرا می‌گیرد و یکی از اقساط خانه را می‌پردازد. من از پس‌انداز و درآمد او تقریباً خبر دارم. ما خانه را مشترک خریدیم. همسر کم‌بیش‌تر از من پرداخته است، اما خانه به اسم هر دوی ماست. گاهی دعوای لفظی داریم، اما هیچ وقت کار به فحاشی نمی‌کشد. بعد از قهرکردن، گاهی من و گاهی او منت می‌کشد و آشتی می‌کنیم. زندگی ما مشترک است. حریم خصوصی نداریم که نیاز به محافظت آن داشته باشیم. قدرت در خانه در دست من است کجا بریم یا چه کار کنیم را من تصمیم می‌گیرم. کارهای خانه را مثل شست‌وشو و پخت‌وپز را مشترکاً انجام می‌دهیم. من به او کاملاً اعتماد دارم. فکر می‌کنم او هم به من همان‌قدر اعتماد دارد. از زندگی‌ام صددرصد راضی‌ام فقط وضع مالی ما چندان تعریفی ندارد. لازم به گفتن نیست که همسر را خیلی دوست دارم.

با توجه به مثال‌های فوق، می‌توان دید که ویژگی‌های رابطه صمیمانه در همین چند نمونه تکرار می‌شود. با این‌که نمونه‌های مشاهده و مصاحبه بسیار بودند، اما بررسی ده‌ها نمونه مصاحبه و مشاهده حاکی از ویژگی‌هایی دارد که تکرار می‌شوند. لذا بر مبنای آن‌ها، می‌توان ویژگی‌های کلی رابطه صمیمانه بین زوجین را دسته‌بندی کرد:

۱. در خانواده‌های صمیمی عشق و علاقه برقرار است. این‌که در این‌گونه خانواده‌ها همسران یک‌دیگر را دوست دارند و با توجه به قراین از هم‌نشینی و اختلاط با هم‌دیگر

محفوظ می‌شوند. این امر برای آنان اهمیت خاص دارد. در این الگو معیار وابستگی همسران عشق و علاقه است.

۲. در ساختار صمیمانه، قدرت در خدمت رابطه است: نفع فردی و شخصی در این گونه روابط جایی ندارد، چرا که هرکدام به دیگری اعتماد دارد و از جانب او احساس تهدید و خطر نمی‌کند. چون رابطه امن است هیچ‌کدام نیازی به دفاع از خود و مقاومت در برابر دیگری نمی‌کنند. آن‌ها به این باور رسیده‌اند که نیازی به رقابت ندارند.

۳. در رابطه صمیمی بین همسران احترام و توجه متقابل وجود دارد: احترام به باارزش شمردن طرف مقابل مربوط می‌شود؛ بدین معنی که طرف مقابل از نظر دیگری محترم و والا شمرده می‌شود. همچنین هر عمل مثبتی از سوی طرف مقابل آن‌قدر باارزش شمرده می‌شود که شایسته قدردانی است. در روابط صمیمانه، معمولاً احساس اجحاف وجود ندارد و کاستی‌های طرف مقابل برای فرد قابل‌درک و بخشش است.

۴. در رابطه صمیمانه مشارکت و تشریک‌مساعی وجود دارد: در این گونه روابط معمولاً تشریک‌مساعی وجود دارد و به دلیل عشق و علاقه و به‌ویژه، احساس قدردانی که فرد می‌کند، بیش‌تر به تشریک‌مساعی می‌پردازد. در روابط کم‌تنش، رقابت بر سر موضوع‌ها و به‌کرسی نشاندن نظرات فردی یا وجود ندارد، یا بسیار ضعیف است. در نتیجه تشریک‌مساعی احساس مسئولیت وجود دارد که طرفین آن را از خود سلب نمی‌کنند.

۵. در رابطه صمیمانه مصاحبت و هم‌فکری وجود دارد: آنان مثل دوستانی بسیار نزدیک، علاوه بر این‌که، به یک‌دیگر احترام می‌گذارند، قدر هم‌دیگر را می‌دانند و به هم کمک می‌کنند و با یک‌دیگر صحبت می‌کنند. همسران صمیمی حرف می‌زنند و حرف هم‌دیگر را می‌فهمند. در این گونه روابط، به‌واسطه احترام، توجه و عشق و به‌ویژه، اعتمادی که همسران نسبت به یک‌دیگر دارند، دلیلی برای اخفا ندارند و با یک‌دیگر درد دل می‌کنند.

۱۲. تجزیه و تحلیل

ویژگی‌های یادشده ما را به مشخص کردن الگوی رابطه‌ای رهبری می‌کند که در کلیت، رابطه صمیمانه نامیده می‌شود. با این‌که با توجه به متن مصاحبه‌ها، این ویژگی‌ها به‌طور جداگانه استخراج و مقوله‌بندی شده‌اند، درعمل، مشاهده شد که این ویژگی‌ها احتمالاً با خصوصیات دیگر در کلیتی موزون در یک رابطه قرار دارند.

رابطه صمیمی رابطه‌ای خاص است که با سایر روابط اجتماعی متمایز است. طبق

تعریف، رابطه‌ای است که مستلزم نزدیکی فیزیکی و عاطفی است. در نزدیکی فیزیکی هم‌بستگی عشقی و تعلق احساسی وجود دارد. از این رو، رابطه صمیمانه نقش مهمی در کلیت زندگی فرد ایفا می‌کند (Rowland and Perlman, ۲۰۰۸).

آنان در بسیاری از امور با هم سهیم می‌شوند، همان‌طور باگاروزی در ابعاد هشت‌گانه صمیمیت آورده: از جمله سهیم‌شدن در احساسات، امیدها و رؤیاهای، ترس‌ها و نگرانی‌ها، ایده‌ها و افکار، باورها و معنویات و اخلاقیات، احساسات، و افکاری که از نظر آن‌ها زیبا، سهیم‌شدن و مشارکت در فعالیت‌ها و تفریحات لذت‌بخش. آنان یک‌دیگر را قبول دارند، با یک‌دیگر همکاری می‌کنند و به هم‌دیگر کمک می‌رسانند. بارها شنیده می‌شود که می‌گویند: من همسر را قبول دارم. اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها را به هم‌دیگر تفویض می‌کنند و به هم‌دیگر توجه دارند و احترام می‌گذارند و همیشه به آن اقرار می‌کنند. آن‌ها به دنبال قدرت و اعمال قدرت نیستند؛ زیرا هر کدام طرف مقابل را دوست و شریک و همراه خود می‌دانند. این بدان معنی نیست که در این‌گونه روابط قدرت نقشی ندارد، بلکه با نقشی که آن در خانواده‌های متشنج دارد بسیار متفاوت است. کارکرد قدرت در این نوع رابطه برای رفاه و شادی هر دو یا همه اعضای خانواده است.

در بررسی متون دیدیم که بر بعضی ویژگی‌های روابط صمیمانه تأکید شده است؛ ویژگی‌هایی مانند: در میان گذاشتن عمیق‌ترین افکار و احساسات با هم‌دیگر، همدلی با و درک طرف مقابل، اعتماد متقابل، دل‌بستگی به یک‌دیگر و مراقبت و رابطه عاشقانه رضایت‌بخش. تا آن‌جا که گفته شده است، صمیمیت یک هنر و مهارت است. یافته‌های این تحقیق نیز آن‌ها را تأیید می‌کند. همسران صمیمی به خودافشایی بیش‌تری می‌پردازند. خودافشایی مستلزم اعتماد و احساس امنیت است؛ لذا وقتی همسران با یک‌دیگر حرف می‌زنند، نشانه این است که آن‌ها در رابطه احساس امنیت می‌کنند. از این رو ارتباطات کلامی آن‌ها در روندی مثبت پیش می‌رود.

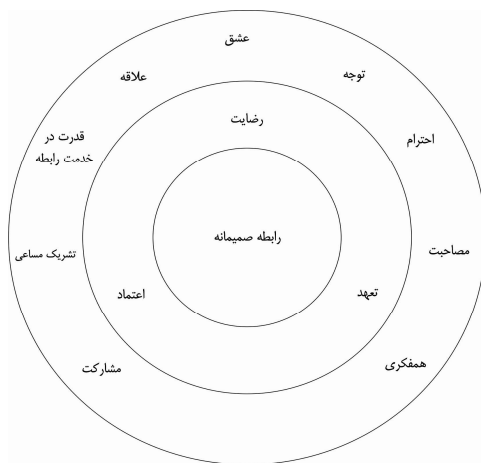
آنان نه تنها از رشد و پیشرفت یک‌دیگر احساس خطر نمی‌کنند، بلکه به هم‌دیگر کمک می‌کنند و خوشحال هم می‌شوند. آن‌ها مصاحب یک‌دیگرند و با هم‌دیگر هم‌فکری می‌کنند و به اصطلاح می‌توانند با هم حرف بزنند. در چنین رابطه‌ای اصولاً قدرت مسئله محسوب نمی‌شود. تفویض اختیارات با رضایت به طرف مقابل صورت می‌گیرد. پذیرش یک‌دیگر با اعتماد متقابل که در روابط صمیمانه تقویت شده به هم‌آهنگی می‌انجامد. این امر با گذشت زمان قوت یافته است. همین پذیرش سبب می‌شود که به‌رغم این‌که اطرافیان ممکن است

رابطه آنان را نابرابر بدانند، آنان صرف‌نظر از چگونگی توزیع قدرت، از زندگی احساس رضایت کنند. یاری‌کردن به همسر انواع وسیعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد، و الزاماً همه آنها در انجام کارهای مربوط به خانه منحصر نمی‌شود. در تشریک‌مساعی معمولاً تفکر برابری وجود دارد. آنها با یکدیگر همراه و هم‌دل‌اند و نسبت به یکدیگر منصفانه عمل می‌کنند. آنان قدر هم‌دیگر را می‌دانند و وجود هم‌دیگر را عزیز می‌شمارند. همسران صمیمی این ویژگی را دارند و بارها تکرار می‌کنند: «او قدر مرا می‌داند» یا «من قدر او را می‌دانم» یا «او به من احترام می‌گذارد و من به او احترام می‌گذارم». این امر درست برعکس روابط متشنج است که یکی یا هر کدام از طرفین احساس می‌کنند که طرف مقابلش قدر کارها و زحمات او را و به‌طور کلی قدر خود او را نمی‌داند.

در روابط صمیمانه عشق، علاقه، و تفاهم اصل به‌شمار می‌رود. فرد چون همسرش را دوست دارد حاضر است در راه رضایت او هر کاری بکند یا هر چه دارد به پای او بریزد. طرف مقابل هم چون او را دوست دارد از او اطاعت می‌کند و به خواسته‌هایش گردن می‌نهد. نباید فراموش شود که این اطاعتی است لذت‌بخش و تحمیل‌شده نیست؛ مثل آنچه در روابط سلطه وجود دارد.

لذا حساب‌گری فردی وجود ندارد؛ آگاهانه به یکدیگر اجحاف نمی‌کنند؛ تمرکز قدرت هم وجود ندارد. صمیمیت موهبتی است که این‌گونه خانواده‌ها دارند، اجزای سازنده آن، خرده‌مندی و عشق و علاقه است. یافته‌ها را می‌توان در یک مدل الگویی به شرح ذیل خلاصه کرد:

الگوی رابطه صمیمانه در خانواده



رابطه صمیمانه سه ویژگی اساسی دارد: این که همسران صمیمی به یکدیگر اعتماد دارند، رضایت از زندگی در میان آنان حاکم است؛ آنان نسبت به زندگی مشترک احساس تعهد می‌کنند. مشارکت و همکاری، مصاحبت و همنشینی، احترام و توجه، عشق و علاقه، و برابری و انصاف از جمله ویژگی‌هایی است که چنین رابطه‌ای را مستحکم می‌کند و بدان تداوم می‌بخشد.

بیش‌تر بحث‌ها نیز بر سر این است که در گذشته، زنان به دلیل غلبه نظام پدرسالاری مقهور بودند و در نتیجه از زندگی زناشویی ناشاد و ناراضی بودند. هرچند وجود ظلم و استثمار در نظام سنتی که در بحث‌های فمینیستی بر آن تأکید شده است، حقیقت دارد، اما در این پژوهش، ملاحظه شد که صمیمیت، یکی از جنبه‌هایی است که در رابطه زناشویی نقش مؤثری بازی می‌کند؛ به طوری که با وجود آن، ممکن است موضوع استثمار منتفی شود. نگاه به رابطه همسران از دیدگاه بازی قدرت و رقابت بر سر منابع آن، در ضمن این که در کل صحت دارد، به دلیل محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کند، حتی ممکن است که منحرف‌کننده نیز باشد. بررسی روابط از دیدگاه‌های گوناگون می‌تواند این نکته را روشن کند. آینارزدوتیر (Einarsdottir) در بحث قدرت، دو عامل را معیار طبقه‌بندی خانواده‌ها می‌داند: یکی منطق کنش متقابل (logic of interaction)، و دیگری تقسیم کار خانگی (division of housework)؛ منطق کنش متقابل بین همسران به بحث پیرامون اصول مشارکت بر مبنای این عقیده می‌پردازد که خانواده یک واحد مذاکره است. همان‌طور که دیدیم، در خانواده‌هایی که صمیمیت وجود دارد، مذاکره صورت می‌گیرد؛ بدان معنی که همسران بتوانند به راحتی حرف‌هایشان را به هم بزنند.

وانگهی، همان‌طور که در بحث رویکردهای متفاوت بر محور اقتصادوامی و اقتصاد هدیه‌ای دیدیم، در روابطی که همسران به فکر خود نیستند و جمع را در نظر می‌گیرند، رابطه‌ای پویا شکل می‌گیرد که صمیمیت از پیامدهای آن است.

ابعاد دیگری نیز در رابطه صمیمانه وجود دارد که در این پژوهش از آن‌ها یاد نشده است، برای نمونه، از ویژگی‌های بزرگ و مهم رابطه صمیمانه «تعهد»، به معنی وفاداری همسران نسبت به هم‌دیگر است. این خواسته به دلیل ویژگی‌هایی که ذکر شد، در روابط صمیمانه برآورده می‌شود. معمولاً همه در شروع روابط زناشویی به طور شفاهی ابراز تعهد می‌کنند، اما در اکثر روابطی که تعهد شکسته می‌شود، سایر ویژگی‌های رابطه صمیمانه نیز کم‌رنگ می‌شوند. مسلم است که این ویژگی‌ها به هم پیوسته‌اند. ممکن نیست که در

رابطه‌ای یکی از این ویژگی‌ها وجود داشته باشد و بقیه غایب باشند. لذا تعهد و اعتماد که پیامدهای نهایی رابطه صمیمانه‌اند، همواره حضور دارند.

۱۳. نتیجه‌گیری

در این مقاله، ابتدا اهمیت چرایی و چگونگی روابط صمیمانه در زندگی، به‌خصوص در زندگی زناشویی، بیان شد. نوع رابطه همسران، شاید مهم‌ترین عامل در زندگی آن‌ها محسوب می‌شود. ویژگی‌های رابطه صمیمانه، به‌رغم اهمیتش، شناخته‌شده نیست. لذا، با استناد به تحقیقی میدانی، آن ویژگی‌ها استخراج و در پنج مقوله خلاصه شدند: عشق و علاقه، قدرت در خدمت رابطه و نه فرد، احترام و توجه، مشارکت و تشریک‌مساعی، و مصاحبت و هم‌فکری. همچنین گفته شد که چنین رابطه‌ای معمولاً با احساس تعهد، اعتماد همسران نسبت به یکدیگر و رضایت از زندگی زناشویی است. در ضمن، ملاحظه شده است که در بعضی از زوجین، به‌خصوص در سنین میان‌سالی و بالاتر، با کاهش میزان عشق هیجانی از میزان صمیمیت کاسته نمی‌شود. الگوی صمیمی رابطه همسران در همه سنین قابل مشاهده و شناسایی است.

در ضمن، مشخص شد که ویژگی‌های رابطه صمیمانه به‌طور جداگانه وجود ندارند، بلکه معمولاً آن‌ها کلیتی را تشکیل می‌دهند که در مجموع، به‌صورت الگویی از رابطه صمیمانه قابل تلخیص است. وانگهی الگوی رابطه صمیمانه یا همان جوهر شادی در زندگی، که افراد در جست‌وجوی آن‌اند، امری سرّی و رازآلود نیست، بلکه ویژگی‌هایی است که به‌واسطه تلاش و مراعات اصولی به‌همراه چاشنی عشق دست‌یافتنی است.

منابع

- اعتمادی، عذرا. «افزایش صمیمیت زناشویی». فصل‌نامه تازه‌های روان‌درمانی، س ۱۳، ش ۴۹ و ۵۰.
- «بررسی تأثیر زوج‌درمانی به‌شیوه ایماگوتراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مشاوره در شهر اصفهان»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ج ۵، ش ۱۳۸۵.
- اولیا، نرگس و دیگران (۱۳۸۵). «تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش صمیمیت زوجین»، خانواده پژوهش، س ۲، ش ۶.
- اتکینسون، ر. هیلگارد، ا. (۱۳۶۸). زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمدتقی براهنی و دیگران، تهران: رشد.
- برادشاو، ج. (۱۳۷۱). تحلیل سیستمی خانواده، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: البرز.

- ثناپی، ب. (۱۳۷۵). «روابط انسانی و بهسازی آن»، مجله پژوهش‌های تربیتی، ج ۴، ش ۱ و ۲.
- سیاسی، ع. (۱۳۶۸). نظریه‌های شخصیت، تهران: دانشگاه تهران.
- خجسته‌پور، رضا و دیگران. «تأثیر آموزش صمیمیت بر افزایش ارتباطی زوجین»، مجله دستاوردهای روان‌شناختی، علوم تربیتی و روان‌شناسی، دوره چهارم، ش ۱.
- قمرانی، امیر و سمانه‌سادات جعفر طباطبائی (۱۳۸۵). «بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره»، ج ۵، ش ۱۷.
- عنایت، حلیمه و مریم سروش (۱۳۸۸). «میزان و نوع مقاومت زنان در رویارویی با ساختار قدرت در زندگی روزمره»، دوره هفتم، ش ۲.
- صلیبی، ژاسنت (۱۳۸۲). «فرهنگ توصیفی روان‌شناسی اجتماعی»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فُرگاس، جوزف پی. (۱۳۷۹). روان‌شناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان‌فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: ایجد.
- فریور، میرعمادالدین (۱۳۸۸). «نگاهی نو به دنیای زنان و مردان»، روان‌شناسی شادکامی و موفقیت، س ۶، ش ۶۳.
- منصور، م. و پ. دادستان (۱۳۶۹). روان‌شناسی ژنتیک، ج ۲، تهران: دریا.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Bagarozzi, A. (۲۰۰۱). *Enhancing Intimacy in Marriage*.
- Brehm, S. Sharon and Saul M. Kassin (۱۹۹۳). *Social Psychology*, ۲nd ed., Houghton Mufflin Company, Boxtton.
- Clayton, Richard R. (۱۹۷۵). *The Family, Marriage and Social Change*, D. C. Heath and Company Lexington.
- Campbell, Susan (۲۰۰۵). *Saying What is Real*, H. J. Kramer New World Library.
- Hewstone, M. Stroebe, J. Codol, P. Stephenson, G.M. (۱۹۹۱).
- Hocker Joyce and William Wilburt Burton (eds.) (۱۹۸۵). *Power in Interpersonal Conflict*, Dubuque, Iowa, Wm. C. Brown Publishers.
- Johnson, J. H. and Harris, W.G. (۱۹۸۰). "Personality & Behavioral Characteristics Related to Divorce in Population of Mule, Applicants Psychiatric Evaluation", *Journal of Abnormal Psychology*, ۸۹.
- Larson, J. et al. (۱۹۹۸). "M Perceived Equity and Intimacy in Marriage", *Journal of Marital and Family Therapy*, Vol. ۲۴.
- Robertson, Ian. *Social Problems* (۱۹۸۰). Random House, New York.
- Rowland Miller and Daniel Perlman, *Intimate Relationships* (۲۰۰۸), (۷th ed.), McGraw-Hill, NY.
- Strauss, Anselm and Juliet Corbin (۱۹۹۰). *Basics of Qualitative Research*, Sage Publication, London.

Sears, O. D., Peplow, A., Freedman, J.L., Taylor, S.E. (۱۹۸۸).

Sharps, S. A. (۲۰۰۰). *The Ways We Love*, the Culford Press, New York, London.

Theodorson, G. A. and A. G. Teodorson (۱۹۶۹). *A Modern Dictionary of Sociology*, Thomas Y, Crowell, Company, N. Y.